



Article Type: Research paper

The Evolution of the “Neo-Traditional National State” Model in Confrontation with the “Islamic Caliphate Revival” Model (With an Emphasis on Religion-State Interaction in the United Arab Emirates)

*Ali Ghorbanpour Dashtaki

Associate Professor of the Department of Political Science and Economics, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Article Info.

Received: 12/02/2025

Accepted: 01/10/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

United Arab Emirates, neo-traditionalist national state, jurisprudence of objectives.

* Corresponding Author:

Dr. Ali Ghorbanpour Dashtaki

Address: Department of Political Science and Economics, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

E-mail:

a.ghorbanpour@hsu.ac.ir

Abstract

In recent decades, the “Neo-Traditionalist Nation-State” model has emerged in the Muslim world in confrontation with the “Revival of the Islamic Caliphate.” The United Arab Emirates (UAE) is a prominent example of the former approach, which, by adopting a Neo-Traditionalist religious paradigm based on a tolerant jurisprudence (Fiqh al-Maqasid), seeks to adjust the boundaries of the Muslim world with modernity. In contrast, the “Revival of the Islamic Caliphate” approach, within the framework of “political Islam” and Salafism, has created radical boundaries with the modern world, particularly Shia communities, and advocates for a return to a caliphate order on the scale of a Unified Ummah. The main question of the present research is how the UAE, by adopting a semi-democratic consultative (shura) model, without embracing the political Islam-Salafi line, has achieved a considerable level of development and welfare. Research findings indicate that the UAE’s Neo-Traditionalist Nation-State, supported by Fiqh al-Maqasid and relying on the principle of “Shura” with the consultation of Abdullah bin Bayyah, successfully placed religion in interaction with the state. This resulted in a high degree of economic development at national and international levels, and consequently, a significant amount of functional legitimacy. Despite such progress, the results of this research suggest that the mentioned model may face challenges in the future, such as civil demands and the formation of Islamic neo-fundamentalism, due to disregarding some red lines of Muslims. This qualitative research was conducted using library and documentary methods, and Lakatos’s “Research Programs” were utilized for data analysis.

How to Site:

Ghorbanpour, Ali. (2025). The Evolution of the “Neo-Traditional National State” Model in Confrontation with the “Islamic Caliphate Revival” Model (With an Emphasis on Religion-State Interaction in the United Arab Emirates). *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3), 238-359.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

تکوین الگوی «دولت ملی نوسنت گرا» در مواجهه با الگوی «احیای خلافت اسلامی» (با تأکید بر تعامل دین و دولت در امارات متحده عربی)

* علی قربانپور دشتکی

استادیار گروه علوم سیاسی و اقتصاد، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۴ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۹ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

چکیده

در دهه‌های اخیر، الگوی «دولت ملی نوسنت‌گرا» در مواجهه با «احیای خلافت اسلامی» در جهان اسلام شکل گرفته است. امارات متحده عربی نمونه‌ای بارز از رویکرد اول است که با اتخاذ پارادایم دینی نوسنت‌گرا، مبتنی بر فقه تساهل‌گرا با تأسی از «فقه المقاصد»، به تعدیل مرزبندی‌های جهان اسلام با مدرنیته می‌پردازد. در مقابل، رویکرد «احیای خلافت اسلامی» در چارچوب «اسلام سیاسی» و سلفی‌گری، مرزبندی‌های رادیکالی با جهان مدرن، و به طور خاص جوامع شیعی، ایجاد کرده و خواهان بازگشت به نظم خلفایی در مقیاس امت واحد است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه امارات متحده عربی، با اتخاذ الگوی شورایی شبه دموکراتیک، بدون پذیرش خطمشی اسلام سیاسی-سلفی، توانسته به سطح قابل قبولی از توسعه و رفاه دست یابد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت ملی‌گرای نوسنت‌گرای امارات، به پشتوانه فقه المقاصد و تکیه بر اصل «شورا» با مشاورت عبدالله بن بیه، توانست دین را در تعامل با دولت قرار دهد که نتیجه آن رسیدن به درجه بالایی از توسعه اقتصادی، در سطح ملی - بین‌المللی و در نتیجه میزان قابل توجهی از مشروعیت کارآمدی را به دست آورد. به رغم چنین پیشرفتی، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مذکور، ممکن است در چشم‌انداز آینده، به علت نادیده گرفتن برخی خطوط قرمز مسلمانان، با چالش‌هایی نظیر مطالبات مدنی و شکل‌گیری نوبنیادگرایی اسلامی مواجه گردد. پژوهش حاضر، به صورت کیفی، با روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و برای تحلیل یافته‌ها از «برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش» بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها:

امارات متحده عربی،
دولت ملی نوسنت‌گرا، فقه
المقاصد.

* نویسنده مسئول:

دکتر علی قربانپور دشتکی
نشانی: استادیار گروه علوم سیاسی
و اقتصاد، دانشگاه حکیم سبزواری،
سبزوار، ایران.
پست الکترونیکی:
a.ghorbanpour@hsu.ac.ir

استناد به این مقاله:

قربانپور، علی. (۱۴۰۴). تکوین الگوی «دولت ملی نوسنت‌گرا» در مواجهه با الگوی «احیای خلافت اسلامی» (با تأکید بر تعامل دین و دولت در امارات متحده عربی). *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۳۷، ۳۲۸-۳۵۹.

۱. مقدمه

ارائه الگوی منظمی از ساختار و ساز و کار دولت در امارات متحده عربی، در عصر مدرن (از دهه های نخستین قرن ۲۰ میلادی به بعد) مستلزم توصیف و معرفی سایر الگوهای رقیب در جهان اسلام، از جمله در کشورهای عربی، میباشد. ملی‌گرایی (ناسیونالیسم عربی) و همچنین الگوی آرمانی احیای خلافت تا کنون دو الگوی متفاوتی از دولت در منطقه جهان اسلام عربی بوده اند که اولی، تحت تاثیر امواج مدرنیته غربی و با تاسی از الگوهای دولت های ملی در اروپا با مشرب ناسیونالیستی شکل گرفت که دولت ملی جمال عبدالناصر نمونه بارز آن می باشد و دومی، بر عکس، در واکنش به پیامدهای مدرنیته در کشورهای مسلمان، در چارچوب جنبش‌هایی بنیادگرایی شکل گرفت که دغدغه بازگشت به سیره سلف و احیای نظام خلافت را دارد^۱.

رویکرد اخیر، تحت عنوان "اسلام سیاسی"، تلاش می کند با یکپارچه سازی جهان اسلام، الگوی خلافت اسلامی را تحقق بخشد. این الگو که ریشه در تاریخ صدر اسلام دارد، پاسخی است به اشغال فلسطین توسط اسرائیل که نمایانگر بی‌عدالتی و مداخله خارجی بود و آرمان بازگشت به خلافت و اتحاد جهان اسلام را زنده کرد (Hamid, 207, p. 6; Ramadan, 202, p.). در همین راستا، شادی حمید، روزنامه‌نگار و پژوهشگر مطالعات اسلامی، معتقد است که اسلام به دلیل ماهیت فراگیر خود، بستری ایدئولوژیک برای ارائه جایگزین‌هایی به مدل‌های حکمرانی غربی فراهم می‌کند. (Hamid, 207) او بیان می‌کند که پس از ناکامی رژیم‌های سکولار و ناسیونالیست، جنبش‌های اسلام‌گرا با وعده‌هایی همچون عدالت اجتماعی و بازگشت به «عظمت گذشته» خلأ موجود را پر کرده‌اند. این جنبش‌ها خلافت راشدین را نماد حکمرانی عادلانه می‌دانند و باور دارند که بازسازی نظام سیاسی اسلامی قادر به حل مشکلات مدرنیته و استعمار است (Hamid, 207, p. 60).

جنبش‌های بنیادگرای القاعده، داعش، بوکوحرام، جبهه النصره، طالبان و... از جمله نمونه های بارز این رویکرد میباشند که تحت تاثیر افکار حسن البناء و سید قطب در اخوان المسلمین مصر قرار گرفتند. هر چند که تا کنون، به استثنای افغانستان و سوریه، این جنبش‌ها در سایر کشورهای عربی مثل عراق، مصر، لیبی و نیجریه نتوانستند قدرت را به دست بگیرند، لیکن به

۱. در پژوهش حاضر، در میان این دو الگوی رقیب الگوی دولت امارات، در دسته بندی الگوها، صرفا اشاره ای به الگوی ناسیونالیسم عربی خواهیم کرد و بیشتر الگوی دولت ملی گرای نوستی امارات متحده عربی را در مقایسه با الگوی آرمانی خلافت اسلامی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

صورت جنبش های پراکنده در راستای تشکیل دولت آرمانی خود در حال فعالیت می باشند.

گسترش این نوع اسلام سیاسی، با هدف احیای خلافت و اتحاد جهان اسلام، نه تنها نتوانست در جهت پیشبرد اهداف آرمانی مذکور گامی بردارد، بلکه باعث ایجاد اختلال در توسعه و رفاه جوامع مسلمان گردید و چالش هایی نظیر خشونت و فقر را در این جوامع به دنبال داشت.

در مقابل حامیان بنیادگرای اسلام سیاسی و احیای الگوی خلافت؛ کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، از جمله امارات متحده عربی، با احتجاج یافتن به قرائتی متفاوت از اسلام در ساختار حکمرانی، توانست مسیر متفاوتی را در راستای توسعه اقتصادی و رفاهی و تعامل با دنیای مدرن، در پیش بگیرد که، از نظر نگارنده، «دولت ملی نوسنت گرا»^۲ محسوب می شود. این کشور، ضمن پایبندی به نصوص دینی و حفظ سنت حکمرانی پدرسالاری، با اتخاذ قرائت خاصی از فقه و شریعت اسلامی تحت عنوان «فقه المقاصد»، موفق به تشکیل دولتی با رویکرد ملی شد. این دولت، به لحاظ برخی شاخص های توسعه مانند رشد تولید ناخالص ملی، رشد بازار بین المللی کسب و کار و همچنین افزایش مشروعیت کارکردی، با توسعه یافته ترین کشورهای دنیا قابل مقایسه است.

دولت ملی نوسنت گرا، در اصل با نگاه کارکردگرایانه به اسلام، به دنبال تلفیق اصول دینی و سنت های بومی با مقتضیات دولت ملی مدرن و الزامات توسعه اقتصادی و اجتماعی است. هدف اصلی این دولت ها، ایجاد ثبات، رفاه و توسعه ملی بر بستر دین، بدون افتادن در دام رادیکالیسم بنیادگرا یا تقلید صرف از الگوهای [سکولار] غربی است (Mandaville, 2020, pp 4-5).

به طور کلی، برخی اهداف چنین الگویی از دولت ملی نوسنت گرا، عبارتست از: ۱. حفظ ثبات سیاسی-اجتماعی در پیوند سنت های بومی و مذهبی با ساختارهای نوین؛ ۲. دستیابی به توسعه پایدار با ادغام در اقتصاد جهانی و سرمایه گذاری در زیرساختها؛ ۳. صیانت از هویت فرهنگی-دینی با ترویج تفسیری سازگار از اسلام؛ ۴. مقابله با اسلام سیاسی بنیادگرا، از طریق افزایش مشروعیت کارکردی و همزمان، تضعیف جریان های افراطی.

از سوی دیگر، الگوی مذکور، به لحاظ ساختاری، با چالش هایی هم مواجه می باشد که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱. چالش حفظ تعادل و ثبات بین هویت های ملی و جهانی با هویت

2. Neo-traditionalist National State

دینی (خطر افتادن در دام سکولاریسم رادیکالی یا نوبنیادگرایی)؛ ۲. استبداد سیاسی: چنانکه قدرت مرکزی ریشه در سنت حکمرانی شیخوختی دارد، لذا هواره احتمال گسترش و تعمیق استبداد سیاسی وجود دارد؛ ۳. وجود فاصله طبقاتی، رفاهی و معیشتی در امیرنشین های امارات.

حال با توجه به چالش های مذکور و سایه بلند اسلام سیاسی در منطقه، مساله پژوهش حاضر اینست که امارات متحده عربی، چگونه توانست، به طور همزمان، با عبور از تنگنای اسلام سیاسی-سلفی و تداوم سنت^۲، موفق به تشکیل دولت ملی سنت گرا شود که از لحاظ برخی شاخص های اقتصادی-رفاهی، با توسعه یافته ترین کشورهای دنیا، قابل مقایسه می باشد؟

در پاسخ به پرسش مذکور، فرضیه پژوهش حاضر بر این ادعاست که «دولت ملی نوسنت گرای امارات متحده عربی»، به مدد استخدام قرائت خاصی از فقه اسلامی تحت عنوان «فقه المقاصد» در چارچوب رویکرد «نوسنت گرایی»، ضمن اینکه توانست فاصله خود را با اسلام سیاسی سلفی گرا حفظ کند، در عین حال، با ورود به عرصه مناسبات جهانی، توانست زمینه توسعه اقتصادی و تجاری را در راستای مصالح عمومی تحقق بخشد.

هدف از این پژوهش، تبیین نظری الگوی دولت ملی گرای نوسنت گرا در امارات متحده عربی و تحلیل چرایی موفقیت آن در عبور از چالش های اسلام سیاسی-سلفی می باشد. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر اینست که:

با ارائه صورتبندی جدیدی از الگوی تحقق یافته دولت ملی نوسنت گرا در میان کشورهای اهل تسنن، در مقایسه با الگوی آرمانی بازگشت به عصر خلافت، خلاء ناشی از فقدان یک صورتبندی نظری از الگوی حکمرانی دولت های نوتوسعه گرا در بخشی از جهان اسلام را پر نماید؛ ۲. ارائه چارچوبی برای توضیح نسبت بین دین و دولت در دولت های نوتوسعه گرای اسلامی؛ ۳. ارائه چشم اندازها و پیامدهای این نوع الگوی توسعه در جهان اسلام.

۲. پیشینه پژوهش

در طی دهه های آغازین سده بیست و یکم میلادی که شاهد رشد چشمگیر امارات متحده عربی بوده ایم که به لحاظ شاخص های مختلف توسعه، مثل رشد ناخالص ملی (GDP)، کسب و کار و تجارت، گردشگری، صنایع حمل و نقل هوایی و جذب سرمایه خارجی، در برخی موارد، ۳. منظور از سنت در اینجا، هم سنت دینی و هم سنت تداوم نظام حکمرانی موروثی شیخوختی.

با کشورهای توسعه یافته قابل مقایسه می باشد که همه این شاخص ها حاصل عزم و اراده حکمرانان امارات در جهت اتخاذ راهبرد سیاست خارجی مسالمت آمیز با رویکرد درهای باز به منظور جذب سرمایه گذاری در امارات متحده عربی می باشد.

ادبیات پژوهشی مختلفی نیز در چارچوب توصیف و تبیین برنامه توسعه امارات و سیاست خارجی امارات شکل گرفته است که برخی از آثار پژوهشی در این زمینه را در زیر عنوان می کنیم:

- یاسر جرار (۲۰۲۲) در کتاب "مدیریت و رهبری به سبک شیخ محمد"، با توجه به مسوولیتی که در دفتر اجرایی شیخ محمد بین راشد آل مکتوم داشته، حاکم دویی و معاون رئیس جمهور امارات، تجربیات خود را از سبک مدیریت و رهبری ایشان در توسعه امارات متحده عربی، از جمله دویی، شرح می دهد. یاسر جرار، در این اثر با استناد به برخی سخنان شیخ محمد، ره نگاشت توسعه اقتصادی و رفاهی امارات را از مجرای ابتکارات شخصی و منحصر به فرد شیخ توصیف می کند. هدف جرار از تالیف اثر مذکور، معرفی وجه درونزایی توسعه امارات متحده و معرفی نمودن نقش برجسته مدیریتی حکمرانان اماراتی، در توسعه امارات.

- شیخ محمد بن راشد آل مکتوم (۲۰۲) نیز، خودنوشتی تحت عنوان "نگرش من و چالش های برتری"، مهر تاییدی می زند بر اثر یاسر جرار. محمد بن راشد، در این کتاب، زندگی خود را از کودکی تا هنگام به قدرت رسیدن شرح می دهد. هدف شیخ از تحریر کتاب مذکور، توصیف سازه انگارانه ای از توسعه می باشد که آنرا به مدد تجربیات تلخ و شیرین لحظه به لحظه زندگی در سرزمین خود به دست آورده است.

- سید حمزه صفوی (۲۰۶) در کتاب "امارات متحده عربی" به معرفی اجمالی از موقعیت جغرافیایی، جمعیت، اوضاع اقتصادی، سیاسی، وضعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی امارات متحده عربی می پردازد که می تواند دستنامه ای باشد برای آشنایی کلی پژوهشگران علاقه مند در این زمینه.

- خلیل الله سردارنیا و زهرا عزیز (۲۰۵) در پژوهشی با عنوان "تحولات دنیای عرب و ثبات سیاسی در امارات متحده عربی با نگاهی جامعه شناختی"، به علل ثبات و امنیت سیاسی امارات متحده عربی می پردازند که در بحبوحه خطر گسترش و سرایت جنبش های منطقه ای از جمله بهار عربی می پردازند. مقاله مذکور، امنیت و ثبات در امارات را در این دوره خاص،

ناشی از سه عامل می‌داند: ساختار جمعیت غیربومی امارات، محافظه کاری سیاسی و مشروعیت عملکردی-کارکردی.

- حجت کاظمی و محمد محبوبی (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان "تکوین و تحول ملت سازی دولتی در امارات متحده عربی" در این مقاله، نویسندگان با مفروض گرفتن تقدم شکل گیری دولت بر ملت در امارات، متغیرهای سازنده ملت امارات متحده عربی را تحت عنوان ملت سازی دولتی برشمردند. این مقاله بر یک فرض اساسی استوار است که تقدم شکل گیری ملت بر دولت، که وجهی تاریخی دارد، از ساختار سیاسی امارات متحده غایب است، لذا دولت امارات به صورت تصنعی سعی در ساخت ملت دارد که چنین رویکردی، در چشم اندازی بلند مدت، ممکن است به واگرایی ملی منجر شود.

- ابوذر رفیعی قهساره (۲۰۲۳) در مقاله "هماهنگ ساختن مذهب با سیاست خارجی (مطالعه موردی: امارات متحده عربی)"، ضمن اشاره به فحوای دستگاه فقهی "شیخ عبدالله بن بیّه" در چارچوب "نوسنت گرایی" و "الهیات تبعیت" بیشتر به نقش کارکردی نهادهای فقهی در خصوص سیاست خارجی تمرکز نموده است. از آنجا که این مقاله به وجه نهادی دستگاه فقهی و نقش آن در سازوکارهای حکمرانی در امارات پرداخته، نسبت به سایر منابع، تا حدودی با مباحث مقاله حاضر سنخیت پیدا می‌کند.

- کریستوفر ام. دیویدسون^۴ (۲۰۰۵) در کتابی تحت عنوان "بررسی سازوکارهای بقاء و ثبات امارات متحده عربی"^۵ به بررسی چگونگی بقاء و ثبات چشمگیر امارات متحده عربی، به رغم وجود بی ثباتی در خاورمیانه، می‌پردازد. این کتاب عوامل اصلی حفظ نظم سیاسی و اجتماعی این کشور را، از جمله نقش ثروت نفتی، مشروعیت قبیلہ‌ای و مهندسی دقیق ساختارهای داخلی، تحلیل می‌کند. هدف اصلی کتاب، تبیین سازوکارهای منحصربه‌فردی است که امارات را قادر به مقابله با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای و تضمین تداوم خود کرده‌اند.

- احمد، اس. هاشم^۶ (۲۰۰۸) در کتاب "خلافت در جنگ: واقعیتهای عملیاتی و نوآوری های دولت اسلامی"^۷ تلاش می‌کند با رویکردی بیطرفانه، به تلاش نافرجام داعش برای تشکیل

4. Christopher M. Davidson

5. *The UAE: A Study in Survival*

6. Ahmed S. Hashim

7. *The Caliphate at War: Operational Realities and Innovations of the Islamic State*

دولت اسلامی در عراق پردازد که این تلاشها در سالهای ۲۰ و ۲۰۴ با شکست مواجه شد. نکته ارزنده بحث احمد هاشم در اثر مذکور اینست که الگوی رقیب دولت ملی نوسنت گرای امارات، یعنی الگوی بازگشت به خلافت را مورد بررسی قرار می دهد که وجه مقابل رویکرد تطبیقی بحث ما را پوشش می دهد.

- والا کوییزی^۸ (۲۰۲۳) در کتاب "نوسنت گرایی اسلامی در غرب"^۹ به تحلیل پدیده نوسنت گرایی اسلامی در جوامع غربی می پردازد و چگونگی تلاش نوسنت گرایان برای احیای و انطباق آموزه های سنتی اسلام را در بستر مدرنیته و حضور در غرب بررسی می کند. والا کوییزی در این اثر به ابعاد ارتدوکس (پابندی به اصول سنتی)، جنبه های معنوی (تصوف و طریقت) و رویکردهای سیاسی (مواجهه با دولت های سکولار) این جنبش ها توجه می کند. هدف اصلی کتاب، تبیین چالش ها و راهبردهای این جریانات در حفظ هویت دینی و همزیستی در بسترهای فرهنگی و سیاسی متفاوت غرب می باشد. این اثر، به خوبی سازوکارهای پیوند سنت و مدرنیته را، که دستمایه حاکمان اماراتی می باشد، را تبیین می کند.

- با توجه به سابقه پژوهشی مذکور و منابع موجود دیگر، شکاف پژوهش حاضر با بسیاری از منابع موجود، مبتنی بر اینست که آثار موجود، صرفاً به توصیف و تبیین چپستی ساختار حکمرانی حاکم بر امارات متحده عربی از دیدگاه سیاست خارجی یا روند توسعه اقتصادی می پردازند، در حالیکه پژوهش حاضر، ضمن بهره بردن از منابع مذکور، به چگونگی شکل گیری فرایند سازوکارهای یک دولت اسلامی از زاویه فقه سیاسی می پردازد که تمهیدی میباشد برای نظریه پردازی دولت اسلامی با چشم انداز دولت ملی نوسنت گرا.

۳. چارچوب نظری بحث: برنامه پژوهشی لاکاتوش

این پژوهش برای تحلیل دو الگوی رقیب «دولت ملی گرای نوسنت گرا» (با تأکید بر تجربه امارات متحده عربی) و «احیای خلافت اسلامی»، از چارچوب نظری «برنامه های پژوهشی ایمره لاکاتوش»^{۱۰} بهره می گیرد. انتخاب این چارچوب بر این مفروض است که این الگوها را می توان به مثابه برنامه های پژوهشی ای در نظر گرفت که در سازوکار محافظتی و راهبردهای

8. Walaal Quisay

9. New-traditionalism in Islam in the West

10. Imre Lakatos

خود به نتایج متفاوتی منجر شده‌اند.

از نظر لاکاتوش، هر برنامه پژوهشی دارای هسته سخت^{۱۱} و کمر بند حمایتی^{۱۲} است. (Mo-hammadpour, 20:253). هسته سخت شامل مفروضات بنیادی و غیرقابل ابطال یک برنامه است که برای حفظ آن باید محافظت شود. کمر بند حمایتی نیز مجموعه‌ای از فرضیه‌ها، شرایط اولیه و پیش‌فرض‌های کمتر بنیادی است که هسته سخت را در برابر ابطال محافظت کرده و امکان تحول و انطباق برنامه با پدیده‌های جدید را فراهم می‌آورد (Chalmers, 2005:98).

در این پژوهش، نصوص بنیادین دین اسلام (مانند قرآن و سنت قطعی رسول الله (ص)) را می‌توان به عنوان هسته سخت الگوی «احیای خلافت اسلامی» در نظر گرفت و سازوکارهای مبتنی بر تصمیم‌گیری دولت به منظور تامین مصالح و چشم‌انداز کشور به مثابه هسته سخت الگوی دولت ملی نوسنت‌گرا می‌توان تلقی نمود. این اصول هسته‌ای، از هرگونه ابطال محافظت می‌شوند و تغییرناپذیر تلقی می‌گردند. اما تفاوت اصلی و محوری میان این دو الگو در «کمر بند حمایتی» و راهبردهای ایجابی و سلبی آن‌ها تجلی می‌یابد: تفاوت اصلی این دو الگو در «کمر بند حمایتی» آن‌ها تجلی می‌یابد: الگوی «دولت ملی نوسنت‌گرا» از تفاسیر فقهی مبتنی بر «فقه المقاصد» و رویکردهای اجتهادی بهره می‌گیرد تا با تأکید بر مصالح عمومی و تساهل، از سیاستگذاری دولت در جهت ورود به جهان مدرن و دستیابی به ثبات و رفاه ملی حمایت می‌کند؛ در حالی که از سکولاریسم کامل یا اسلام سیاسی رادیکال پرهیز می‌کند. در مقابل، الگوی «احیای خلافت اسلامی» دارای کمر بند حمایتی مبتنی بر تفاسیر رادیکال و انقلابی است که بر بازگشت به «سیره سلف»، تأسیس خلافت فرا-ملی و عدم سازش با دولت-ملت‌های کنونی تأکید دارد. با استفاده از برنامه پژوهشی لاکاتوش، این پژوهش تفاوت‌های بنیادین دو الگوی مورد نظر و پایداری «دولت ملی‌گرای نوسنت‌گرا» را در نحوه مواجهه با هسته سخت دینی و تنظیم کمر بند حمایتی خود واکاوی خواهد کرد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش کیفی، با رویکرد کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است و با استفاده از چارچوب نظری «برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش» مؤلفه‌های اصلی «الگوی دولت ملی نوسنت‌گرا» (با تأکید بر

11. Hard Core

12. Protective Belt

فقه تساهل‌گرا و مدل شورایی) را در تقابل با «احیای خلافت اسلامی» (بر پایه اسلام سیاسی سلفی‌گری) تحلیل نموده و نقاط تمایز و چالش‌های هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. بحث و بررسی

۱-۵. الگوهای دولت‌های عربی در عصر تجدد

با تلاقی جهان عرب با تجدد، به ویژه از قرن ۹ میلادی تا کنون، به طور مشخص سه الگوی حکومت یا دولت در جهان عرب شکل گرفت: ۱. الگوی ناسیونالیسم عربی (که مجال بررسی آن در پژوهش حاضر نیست)؛ ۲. الگوی دولت اسلامی یا رؤیای احیای خلافت؛ ۳. الگوی دولت ملی نوسنت‌گرا. در پژوهش حاضر، به بررسی دو الگوی «خلافت اسلامی» و الگوی «دولت ملی نوسنت‌گرا» می‌پردازیم.

۲-۵. الگوی حکمرانی ملی: ناسیونالیسم عربی

ز نظر خاستگاه تاریخی، دولت‌های ملی ریشه در سنت سیاسی غرب دارند که با ناسیونالیسم پیوند وثیقی دارد. ناسیونالیسم در ابتدا یک جنبش احساسی مردمی بود که تعلق خاطر مردم یک کشور به سرزمین آباء و اجدادی خاطر نشان می‌کرد. ناسیونالیسم مهمترین تجلی انقلاب‌های امریکا و فرانسه بوده است که در قرن نوزدهم میلادی سطح وسیعی از اروپا و امریکا را در نوردید که موج دوم آن در اوایل قرن بیستم (به ویژه بعد از جنگ جهانی اول) به قاره آسیا، از جمله خاورمیانه سرایت کرد و منجر به شکل‌گیری دولت‌های ملی گردید (Kohn in Britanni- ca, last updated April 25, 2025).

از منظر الگوی حکمرانی ناسیونالیستی، دولت ملی به نوعی از حکمرانی اطلاق می‌شود که در آن هویت ملی، حاکمیت سرزمینی و وفاداری شهروندان به ملت، به عنوان بنیادهای مشروعیت و سازماندهی قدرت سیاسی عمل می‌کنند. این دولت‌ها با تکیه بر مفاهیم مشترک فرهنگی، تاریخی یا ارزشی، به دنبال ایجاد یکپارچگی در جامعه و اعمال قدرت در قلمرو خود می‌باشند. دولت‌های ملی سکولار که تفکیک دین از سیاست را می‌پذیرند؛ دولت‌های ملی اقتدارگرا که بر تمرکز قدرت و ناسیونالیسم تأکید دارند؛ و دولت‌های ملی دموکراتیک که مبتنی بر مشارکت مردمی و حاکمیت قانون هستند. این تنوع ابعاد در میان انواع دولت ملی، تعامل میان دولت، ملت و ایدئولوژی در دوره مدرنیته را نمایان می‌سازد. وجوه مشترک دولت‌های ملی

عبارتست از سیاست‌گذاری مبتنی بر منافع ملی و مصالح عمومی است که به یک سرزمین خاص محدود می‌شود. سیاست خارجی این دولت‌ها نیز بر اساس اصول واقع‌گرایی تنظیم می‌گردد و هنجار غالب در این عرصه، اولویت دادن به منافع ملی است و نهایتاً در این چارچوب، ارزش‌های هویتی و دینی محلی به‌طور کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

ناسیونالیسم عربی، یک ایدئولوژی سکولار است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ظهور کرد و مدافع وحدت و استقلال ملت‌های عربی بر مبنای هویتی مشترک عربی تأکید دارد که از مرزهای دولتی فراتر می‌رود و اغلب به دنبال یکپارچه‌سازی جهان عرب در یک واحد سیاسی واحد بوده است. این یکپارچه‌سازی ریشه در وجوه مشترکی مثل زبان، قومیت، مذهب و سنت تاریخیب دارد (Gelvin, James L. 20:388). بدون شک چهره برجسته ناسیونالیسم‌گرایی در جهان عرب، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور فقید مصر (۱۹۷۰-۱۹۵۶) بنیان‌گذار ناسیونالیسم عربی می‌باشد که ناسیونالیسم عربی در همان سالهای دوره ریاست جمهوری جمال عبدالناصر، ایدئولوژی غالب نیمه قرن بیستم بوده است (Khalidi, 1997:80). این حال، اختلافات داخلی، منافع ملی متفاوت و ظهور ایدئولوژی‌های دیگری مانند اسلام‌گرایی، نهایت آرمان‌های سیاسی این جنبش را دچار گسست و پراکندگی کرد. علی‌رغم کاهش نفوذ سیاسی آن، عناصر ناسیونالیسم عربی همچنان به لحاظ فرهنگی و عاطفی در بخش‌های مختلف جهان عرب طنین‌انداز هستند که بخشی از آن عناصر در الگوی مورد بحث ما، یعنی دولت ملی نوسنت‌گرا حضور دارد.

در چارچوب نظری برنامه پژوهشی لاکاتوش، الگوی حکمرانی ناسیونالیسم عربی را می‌توان به صورت زیر صورتبندی کرد:

الگوی مذکور که بر وحدت و استقلال ملت‌های عربی بر پایه هویت، زبان، فرهنگ و تاریخ مشترک تأکید دارد، هسته سخت آن عبارتست از حاکمیت سرزمینی دولت ملی، وفاداری شهروندان به ملت و سیاست‌گذاری در چارچوب منافع ملی و مصالح عمومی خاص هر سرزمین (محدود به یک سرزمین خاص).

بر اساس چارچوب نظری، کمربند حفاظتی آن، شامل جذب و برجسته‌سازی چهره‌های کاریزماتیک (مانند جمال عبدالناصر)، زبان، دین مشترک و نژاد می‌باشد که نقش مهمی برای پیشبرد ایدئولوژی و بسیج عمومی ایفا می‌کنند. همچنین، تنوع در اشکال دولت ملی (سکولار،

اقتدارگرا، دموکراتیک) نشان‌دهنده ظرفیت انطباق‌پذیری آن می‌باشد در مواجهه با چالش‌هایی چون اختلافات داخلی و ظهور ایدئولوژی‌های رقیب (مانند اسلام‌گرایی). این الگو با تأکید بر طنین فرهنگی و عاطفی هویت عربی، سعی در حفظ بقای خود دارد و حتی می‌تواند عناصری از خود را در الگوهای جدیدتر (مانند دولت ملی نوسنت‌گرا) منتقل کند.

۳-۵. الگوی حکمرانی خلافت اسلامی

جنبش‌های اسلام‌گرا، از اخوان المسلمین و حزب التحریر تا سلفی‌های جهادی (مانند القاعده و داعش)، احیای خلافت را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. این گروه‌ها سقوط خلافت عثمانی را مصیبتی بزرگ می‌دانند که مسلمانان را ناتوان کرده و معتقدند بازگشت نظام خلافت، دوران طلایی اقتدار اسلامی را احیا خواهد نمود (Movahed, 2008). شخصیت‌هایی نظیر رشیدرضا، حسن‌البناء، تقی‌الدین نهبانی، ابوالاعلی مودودی، سیدقطب و معاصرینی حتی مثل ابوبکر البغدادی، همگی بر لزوم احیای خلافت تأکید داشته‌اند (Ramadan, 2008). اخوان المسلمین، به عنوان مرجع فکری بسیاری از این جریان‌ها، معتقد است که اسلام هم دین است و هم حکومت، و تمامی قوانین فردی، خانوادگی، ملی، حکومتی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد و کامل‌ترین قانون برای بشر است. (Miusa-al Hosseini, 2009: 79)

این جنبش‌ها بر توسعه اقتصادی با محدود کردن نفوذ خارجی و تشویق صنایع داخلی تأکید دارند (Miusa-al Hosseini, 2009: 8). همچنین، در تقابل با ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، بر تشکیل جامعه بین‌المللی اسلامی و صدور آن به سایر کشورهای اسلامی تأکید می‌کنند (Miusa-al Hosseini, 2009: 82). این اهداف تنها در چارچوب تشکیل حکومت اسلامی میسر است که مستلزم اتحاد امت اسلامی و بازگشت به نظم خلفایی است. آن‌ها خلافت را سمبل وحدت و یکپارچگی ملل اسلامی می‌دانند و برای تحقق آن، همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان مسلمانان را لازم می‌دانند، که وجود «امام» (خليفة) به عنوان کانون وحدت جامعه مسلمین، لازمه آن است (Miusa-al Hosseini, 2009: 84).

از لحاظ فکری، اخوان المسلمین و وهابیت هر دو قرآن و احادیث را مبنای تصمیم‌گیری خود می‌دانند و دغدغه‌ای نسبت به تطبیق مسائل دینی با مسائل مدرن و رجوع به فقه مبتنی بر قیاس، اجتهاد و عقل ندارند (Miusa-al Hosseini, 2009: 3). توجیه اساسی آن‌ها برای سیاسی بودن اسلام این است که اسلام تمامی ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد، لذا سیاست بخش مهمی

از آن است. (Miusa-al Hosseini, 2009: 4)

غایت نهایی اخوان المسلمین موسس و جریان‌های متأخر (مانند القاعده، طالبان، داعش)، تشکیل «حکومت مذهبی» است. در این الگو، شریعت بر دولت تقدم دارد و نصوص و احکام شریعت از مجرای دولت بر جامعه جاری می‌شود. هسته سخت شریعت و نص، به دولت استقلال عمل نمی‌دهد؛ بنابراین، عنصر سرزمینی، منافع ملی و توسعه مدرن، محلی از اعراب ندارد، بلکه دولت به مثابه ابزاری فرمانبردار احکام اسلامی است. منبع نهایی اقتدار، خداوند است و قانون الهی (احکام شرع) بر دولت مقدم و در بیشتر شرایط غیرقابل تغییر است. (Faira-hi, 203: 22) در این روند، وحی در کانون صورتبندی‌های سیاسی قرار می‌گیرد و قانون‌گذاری بشری در امتداد قوانین الهی و به عنوان تابعی از قوانین الهی، اهمیتی ثانویه پیدا می‌کند. از آنجا که شریعت بر دولت مقدم است، فقیه شریعت مدار اقدام به صدور «حکم» می‌کند و قوانین عرفی در تأخر از حکم قرار می‌گیرند. دولت اسلامی، بر خلاف اندیشه معاصر غرب، وجودی ابزاری و متأخر دارد (Firahi, 203).

حال اگر بخواهیم نتیجه‌گیری مطالب بالا را در چارچوب برنامه پژوهشی لاکاتوش مورد ارزیابی قرار دهیم، می‌توان اینگونه استدلال کرد که هسته سخت برنامه پژوهشی خلافت اسلامی، بر بازگشت به نظم خلفایی و احیای «دوران طلایی اقتدار خلافت اسلامی» مبتنی است. این هسته بر مقدم بودن «شریعت» و «نص» بر دولت، جامعیت اسلام برای تمامی ابعاد زندگی (دین و حکومت) و وحدت امت اسلامی فراتر از مرزهای سرزمینی و ملی تأکید دارد. در این چارچوب، قوانین الهی (احکام شرع) غیرقابل تغییر بوده و دولت صرفاً ابزاری برای اجرای شریعت است که هیچ استقلال عملی در برابر نص ندارد. مرجعیت فقهی (مبنی بر قرآن و حدیث) در صدور «حکم» بر قوانین عرفی تقدم دارد.

وجه دیگر تبیین و تحلیل الگوی خلافت اسلامی بر اساس چارچوب نظری، کمربند حفاظتی آن میباشد که راهبردها و چشم اندازهای الگوی مذکور را تعیین می‌کند که برخی از این راهبردها و چشم اندازها عبارتند از:

۱. بی‌اعتبار کردن ملی‌گرایی و ناسیونالیسم عربی: با تأکید بر هویت فراسرزمینی و عقیدتی امت اسلامی.

۲. توجیه احیای خلافت به عنوان راه حل معضلات امت: از جمله ناتوانی و ضعف مسلمانان پس از سقوط خلافت عثمانی.
۳. تمرکز بر توسعه اقتصادی داخلی: با محدود کردن نفوذ خارجی.
۴. تشکیل جامعه بین‌المللی اسلامی: با هدف صدور قوانین اسلام به سایر کشورها.
۵. تکیه بر قرآن و حدیث به عنوان تنها منابع فقهی: و عدم نیاز به قیاس و اجتهاد عقلانی برای تطبیق با مدرنیته.
۶. تمرکز بر فقه سیاسی و سیره سلف: برای اجرای امور حکمرانی و دفاع از اصول دین، که اولویت را بر احکام جهادی قرار می‌دهد.
۷. تأکید بر نقش «امام/خلیفه» به عنوان کانون وحدت: برای جامعه ملل مسلمان و لازمه همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این جوامع با همدیگر.
۸. معرفی اسلام به عنوان یک «مکتب جامع» شامل سیاست: برای توجیه تشکیل حکومت مذهبی و مبارزه با هرگونه تفکیک دین از سیاست.

۴-۵. الگوی دولت ملی نو سنت گرا

۴-۵-۱. مبانی نو سنت گرایی دولت ملی^{۱۳}

الگوی "دولت ملی نو سنت گرا"، هر چند که امکان تسری آن به سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می‌باشد، اما مشخصه منحصر به فرد دولت ملی امارات متحده عربی محسوب می‌شود. این الگو دارای دو بعد ملی و نو سنت گرایی می‌باشد.

در بُعد ملی حاکمیت سرزمینی و منافع ملی اهمیت پیدا می‌کند. ساختار دولت و فرایند اعمال قدرت نیز در چارچوب بعد ملی تنظیم و جاری می‌شود. از آنجا که نهادهای مدنی در امارات متحده عربی، امکان فعالیت ندارند و نهادهای سنتی حاکم می‌باشند و تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های سیاستی به واسطه نهادهای مشورتی صورت می‌گیرد، لذا دولت ملی

۱۳. شاید عنوان کردن «دولت ملی» که فحوایی مدرن دارد، برای امارات و عربستان اندکی زود هنگام باشد، ولی مسامحتاً، توانستند حداقلی از دولت مدرن را سامان دهند.

امارات، به لحاظ اجرا و اعمال قدرت را با اندکی تسامح، می توان "دولت اقتدارگرای شورایی" نامید که با انواع دسته بندی‌هایی که در بخش الگوی دولت ملی ذکر کردیم، متفاوت می باشد.

بعد نوشتن گرایشی دولت ملی امارات کارویژه های تسهیل گری، عرفی سازی و نهایتاً مشروعیت بخشی تمام تصمیمات و برنامه های حکومتی را، در پیوند با سازوکارهای سنت، برعهده دارد. در بیان چستی نوشتن گرایشی اینگونه می توان استدلال کرد که نوشتن گرایشی^{۱۴}، بنا به نظر نخبگان این نحله، یعنی تمایل به بازگشت و شرکت در نهضت پیروی از مکاتب چهارگانه فقهی اهل سنت با زمینه کلامی اشعری^{۱۵} و ماتریدی^{۱۶} و همچنین مطالعه و عمل به متون عرفان اسلامی یا صوفی گری (Ali, no date). البته، در تحلیل نهایی، از میان مکاتب فقهی چهارگانه (حنبل^{۱۷}، شافعی^{۱۸}، حنفی^{۱۹}، مالکی^{۲۰})، نوشتن گرایان نسبت به فقه مالکی گرایش بیشتری دارند (Quisay, 2023:4). قلمروهای فعالیت نوشتن گرایان، در دو حوزه اروپایی-امریکایی و حوزه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس میباید؛ لذا بنا بر مقتضیات محیطی، نوع و درجه فعالیت آنها نیز متفاوت می باشد. از اینرو، نوشتن گرایشی مبتنی بر شاخه عربی تلاش می کند که با مدرنیته و جهان سکولار، تعامل بیشتری برقرار کند، درحالیکه، نوشتن گرایشی مقیم اروپا-امریکا، آنچنان با مدرنیته و جهان سکولار همسویی کمتری دارد. بنابراین، نوشتن گرایشی در حوزه عربی، یعنی "بسترمند سازی مناسبات و مقتضیات جهان مدرن بر پهنه نوشتن گرایشی مبتنی بر فقه المقاصد و کارکرد حوزه سنت در جهت تکوین دولت ملی".

14. New-Traditionalism

۱۵. اشعری: این مکتب کلامی، در پی دفاع از عقاید اهل سنت در برابر معتزله و سایر گروه های عقل گرا، بر تقدم وحی بر عقل، عدم امکان درک کامل صفات الهی توسط عقل بشری، و عدم جواز تفسیر تأویلی نص صریح دینی تأکید دارد، در حالی که برای تبیین آموزه های دینی از استدلال کلامی بهره می گیرد.
۱۶. ماتریدی: این مکتب کلامی، که ریشه در اندیشه امام ابو منصور ماتریدی دارد و اغلب با مکتب فقهی حنفی مرتبط است، تلاش می کند تا بین وحی و عقل توازن برقرار کند و برای اثبات آموزه های دینی، نقش عقل را در درک و اثبات وجود خداوند و صفات او بیشتر از اشاعره می داند، در عین حال که بر ضرورت وحی برای جزئیات احکام شریعت تأکید می کند.
۱۷. حنبلی: این مکتب، که اغلب محافظه کارترین مکتب فقهی اهل سنت محسوب می شود، بر «نص» (قرآن و حدیث) و «سنت» به معنای ظاهری آن تأکید بسیار زیادی دارد و به دلیل پرهیز از رأی و قیاس گسترده، به جمود نسبی در برابر تغییرات معروف است.
۱۸. شافعی: این مکتب فقهی که توسط امام شافعی تأسیس شد، با تلاش برای ایجاد تعادل میان «رأی» و «حدیث»، به دقت در استخراج احکام و نظام مندی در روش شناسی فقهی معروف است و سنت را در اولویت قرار می دهد.
۱۹. حنفی: این مکتب فقهی، که در میان چهار مکتب اهل سنت از بیشترین پیروان برخوردار است، به دلیل تأکید فراوان بر «رأی» (عقل و استدلال شخصی) و «قیاس» (قیاس استنباطی) در استخراج احکام، به انعطاف پذیری و توجه به عرف محلی شهرت دارد.
۲۰. مالکی: این مکتب، علاوه بر قرآن و سنت، بر «عمل اهل مدینه» (رفتار و عرف مردم مدینه در زمان پیامبر و صحابه) و «مصلح مرسله» (منافع عمومی که نص خاصی درباره آن ها نیست) به عنوان منابع فقهی تأکید ویژه دارد، که به آن رویکردی واقع گرایانه و مصلحت اندیشانه می یخشد.

برخی از مهمترین متفکرین نوسنت گرایان در حوزه اروپا-امریکا، عبارتند از: شیخ عبدالحکیم مراد²¹ در انگلیس، شیخ حمزه یوسف²² در ایالات متحده امریکا و همچنین شیخ عبدالله بن بیه²³ نیز در حوزه کشورهای عربی، از جمله امارات متحده عربی فعالیت مستمری دارد (Zee, 2023:9). شیخ عبدالله بن بیه، استاد و مرشد شیخ حمزه یوسف، در ردیف تأثیرگذارترین شخصیت نوسنت‌گرایی به شمار می‌رود و مکتب فقهی اش با عنوان «فقه المقاصد» یا فقه «تیسیری»، نقشی بارز در تعامل دین و دولت در امارات متحده عربی ایفا کرده است.

فقه المقاصد یا [فقه] غایت‌گرا به روشی از استنباط احکام اطلاق می‌شود که فقیه در آن با کشف مقاصد کلی شریعت به دنبال صدور حکم فقهی است (Feghe Moaser Ency-colopedia). نقطه عزیمت این نوع فقه، که در اهل سنت و ریشه در فقه مالکی دارد، عبور از جبریات و ثبوت و تحجر مترتب بر سیره سلف و رسیدن به اجتهادی مبتنی بر اهداف شرع و مقاصد آن. البته این نوع اجتهاد به معنای جابجایی و جایگزینی استدلالی شرعی به جای استدلال دیگر نیست، بلکه با روح شریعت در تعامل است نه با ظواهر آن. تکمیل کننده این نوع فقه، شاطبی، فقیه مالکی بود.

ابو اسحاق شاطبی یا ابراهیم بن موسی شاطبی²⁴ (متوفی ۷۹۰ ق)، فقیه مالکی زاده اندلس، از فقهای مؤسس و مؤلف فقه المقاصد، معتقد است که دین اسلام در پی تأمین مصالح آنی و آتی بشر است و این هدف از طریق وضع احکام و قوانین تأمین میشود. بنابراین هر یک از احکام بر اساس مصلحتی وضع شده و در پی تأمین هدفی است (Raissouni, 998:3) از دیدگاه شاطبی، فلسفه تکوین دین و شریعت، در پنج هدف یا مقصد خلاصه می‌شود که عبارتند از: حفظ دین، عقل، جان، مال و نسل انسان‌ها (Raissouni, 998).

به طور کلی ویژگی‌های شش‌گانه این مکتب فقهی عبارتند از: ایمان به حکمت شریعت و تضمین مصالح خلق به دست شریعت؛ ۲. پیوند درونی نصوص شریعت و تضمین مصالح

21. Shaykh Abdul Hakim Murad

22. Shaykh Hamzah Yusuf

23. Shaykh Abdallah bin Bayyah

24. ابو اسحاق شاطبی (قرن هشتم ه.ه) اهل اندلس، فقیه مالکی، صاحب «الموافقات»، به گونه‌ای متفاوت از علمای زمانه خود، به اجتهاد پرداخت. وی معتقد است دین اسلام در پی تأمین مصالح آنی و آتی بشر است و هر حکمی بر اساس مصلحتی و تأمین هدفی وضع شده است و مقاصد شریعت را پنج‌گانه می‌داند: حفظ دین، عقل، جان، مال و نسل (رک: مقدمه فقهی بر اهداف دین از دیدگاه شاطبی).

خلق به دست شریعت؛ ۳. نظر معتدل به هر یک از امور دین و دنیا؛ ۴. پیوند نصوص با واقعیت زندگی و روح عصر؛ ۵. ایستادن بر خط تیسیر (آسان زیستی) و ۶. گشودگی به جهان و گفتگو و تسامح، بدون ذوب شدگی یا انزوا (Feirahi, 204, 70).

بر این اساس، شیخ عبدالله بن بیه، با تمایز قائل شدن بین فقه و شریعت، فقه را از انحصار شریعت که همان سنت پیامبر و وحی است خارج می کند و در تیررس عقل عملی یا کارکردی قرار می دهد. به اعتبار تمایز مذکور، بین نصّ و مصلحت رابطه برقرار می کند (Feirahi, 204). منظور از «مصلحت» نیز تصمیمات اتخاذ شده بنا بر مصالح عمومی و منافع ملی میباشد که بر اساس چارچوب نظری پژوهش، همان «هسته سخت» تلقی می شوند و دائم مورد جرح و تعدیل قرار می گیرند و احکام فقهی نیز به مثابه «کمر بند حمایتی» می شوند که با اتخاذ رویکردهای مصالح جویانه و متساهل هسته سخت دولت را در برابر تنگ نظریهای دینی از برنامه های توسعه گرایانه دولت ملی حمایت می کند. بنابراین فقه المقاصد، به منزله «کمر بند حمایتی» تصمیم گیرها و مصالح عمومی قلمداد می شود که زمینه تعامل را با نهاد دولت برقرار می کند و با تیسیری کردن (آسان سازی) احکام، سیاستگذاریهای دولت را تسهیل و مشروعیت می بخشد.

۵-۴-۲. فرایند تکوین دولت ملی نوسنت گرا به مثابه یک برنامه پژوهشی توسعه گرا

فرایند تکوین و تثبیت «دولت ملی نوسنت گرا» در امارات متحده عربی، تبلور عملی یک برنامه پژوهشی توسعه گرا محدود به اختیارات دولت امارات میباشد که با درک چالش های فکری و سیاسی دوران مدرن، توانست مذهب و سنت را در چارچوب فقه المقاصد، به استخدام خود دریاورد. نتیجه چنین فرایندی، باعث گردید که موانع فقهی سنتی (مانند ازدواج با غیرمسلمان، زندگی و تجارت در سرزمین غیرمسلمانان) به نفع تعامل و تساهل با دنیای مدرن تعدیل گردند. این تعدیل باید به گونه ای صورت می گرفت که ضمن حفظ اصول بنیادین سنت، امکان بهره برداری از ظرفیت های جهان مدرن فراهم آید و در عین حال، نظام پدرسالاری حاکم از سوی سازوکار دموکراتیک تجلی یافته از جهان مدرن مورد تهدید واقع نشود.

به طور کلی، مبانی فکری، ساختاری و قوانین بالادستی دولت حاکم که غیر قابل تغییر و ابطال می باشد، شاکله بخش هسته سخت برنامه پژوهشی دولت امارات می باشد. یعنی اینکه، جهت گیری اصلی و تصمیم نهایی در هسته سخت که همان ارکان دولت می باشد، صورت می گیرد.

وجه حمایت گر سیاستهای دولت، فرضیات، روش ها و احکامی می باشد که در قالب فقه تفسیری یا مقاصد، با انعطاف پذیر نمودن سنت و شریعت یا اصلاح یا ابطال برخی گزاره های فقهی خود، امکان پویایی، پیش بینی، تطبیق با شرایط جدید را برای دولت فراهم می آورد..

در ابتدا به فرایند تکوین و شکل گیری زیرساختهای دولت و دستگاه فقهی به منزله هسته سخت و کمربند حمایتی می پردازیم، سپس در بخش دیگر، کارکردهای دولت و دستگاه فقهی را بر اساس همین چارچوب بر خواهیم شمرد.

الف. تکوین هسته سخت: تکوین مبانی فکری و سیاسی دولت ملی نو سنت گرا

هسته سخت این برنامه پژوهشی که هویت دولت ملی نو سنت گرا را تعریف می کند و بر اساس رویکردی نو در تعامل دین و دولت شکل گرفته است:

۱. اولویت بخشی به تشکیل و تحکیم دولت ملی کارآمد: هسته سخت این برنامه، بر لزوم ساماندهی «دولت ملی» تأکید دارد. این دولت، نهادی است که قادر به مدیریت چالش های داخلی و تعامل با جهان مدرن توسعه یافته است.

۲. مشروعیت بخشی از طریق فقه المقاصد و تساهل گرایی دینی: این اصل، شالوده اصلی هسته سخت است. حاکمان امارات با «استخدام قرائتی نو از اسلام تساهل گرایانه بر مبنای فقه المقاصد در چارچوب اندیشه نو سنت گرای»، توانستند به معضلات فقهی که می توانست مانع تعامل با جهان مدرن شود، پاسخ دهند. این رویکرد، اجازه می دهد تا ضمن «حفظ هسته سخت سنت»، از ظرفیت های مدرنیته بهره برداری شود (ابن بیه، ۲۰۰۷: ۴۵). این فقه، ابزاری برای انطباق دین با الزامات دولت مدرن و جهان کنونی است.

۳. مدل حکمرانی اقتدارگرا-شورایی و اجتناب از دموکراسی غربی: هسته سخت این الگو، بر نظام پدرسالاری و حکمرانی موروثی مبتنی است، اما در عین حال، سازوکار «شورا» را به عنوان جایگزینی برای دموکراسی غربی و برای کسب مشروعیت کارآمد به کار می گیرد. این مدل اجازه می دهد تا بدون پذیرش تهدیدات احتمالی دموکراسی (همچون تهدید نظام پدرسالاری)، از ظرفیت مشورت و توجیه دینی بهره برد. شخصیت محوری در این زمینه، شیخ عبدالله بن بیه است که با اعلام «برائت از سیاست»، نقش مشورتی خود را در راستای «قوام و دوام تعامل دین و دولت» محدود ساخته است (Al-Azami, 2009).

ب. تکوین زیرساختهای کمر بند حمایتی: راهبردهای محافظت از هسته سخت

فرایند تکوین دولت ملی نوسنت گرا، مستلزم تکوین زیرساختهای حمایتی می باشد که ضامن بقاء و تداوم دولت باشد این زیرساختها مشتمل بر سازوکارهایی می باشد که برای حفظ و تقویت هسته سخت در برابر چالشها و انحرافات به کار گرفته می شوند و از طریق فقه المقاصد محافظت می شود:

۱. استخدام نهادهای دینی مشورتی برای تثبیت فقه المقاصد: تأسیس و تقویت نهادهایی چون «دارالافتاء الشرعی امارات متحده عربی» و «مجمع ترویج صلح در جوامع مسلمان» تحت ریاست شیخ عبدالله بن بیه، نقش کلیدی در تولید، ساماندهی و یکپارچه سازی فتواها بر اساس فقه المقاصد ایفا می کند. این نهادها با صدور فتاوی عمومی و جدید، انتشار پژوهشها و آموزش مفتیان، «کمر بندی حفاظتی» را برای محافظت از هسته سخت «فقه المقاصد تساهل گرا» در برابر تفاسیر سلفی گرا یا رادیکال ایجاد می کنند (Hossien, 2024).

۲. مرز بندی با اسلام سیاسی و الگوهای ناموفق: حکمرانان امارات با درس گرفتن از «سرنوشت رژیم پهلوی در ایران» و «انقلاب اسلامی ۱۹۷۹» (بن راشد، ۲۰۱۹: ۱۹)، فاصله خود را با اسلام سیاسی و طرفداران «احیای خلافت» حفظ کردند. این تجربه، موجب «چرخش به سمت نوسنت گرایی برای هموار سازی مسیر رسیدن به دولت ملی مدرن» شد. این رویکرد، به مثابه یک استراتژی حفاظتی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی از سوی جریان های رادیکال عمل می کند.

۳. جدا نگه داشتن نخبگان دینی از مشارکت مستقیم سیاسی: اقدام شیخ عبدالله بن بیه مبنی بر اعلام «برانت از سیاست» و تمرکز بر نقش مشورتی دینی، یک سازوکار حفاظتی مهم است. این امر مانع از آلوده شدن نهادهای دینی به چالش های قدرت سیاسی می شود و در عین حال، به دولت امکان می دهد از مشروعیت دینی وی برای اهداف حکمرانی خود بهره ببرد.

۴. تمرکز بر کارآمدی و توسعه اقتصادی: تاکید شیخ محمد بن راشد آل مکتوم بر «تغییر» و پرهیز از سرنوشت مشابه رژیم پهلوی، نشان دهنده اولویت بخشی به «تغییر اوضاع اقتصادی مردم» و «کارآمدی دولت» است (بن راشد، ۲۰۱۹: ۱۹). این تمرکز بر توسعه، به مثابه زیرساختی برای تکوین لایه حفاظتی عمل می کند که با تأمین رفاه و رضایت نسبی مردم، مانع از شکل گیری

نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود که می‌تواند هسته سخت دولت را به چالش بکشد.

این ساختار نشان می‌دهد که «دولت ملی نوست‌گرا» در امارات متحده عربی، با بهره‌گیری از یک هسته سخت متفکرانه و یک کمربند حمایتی فعال، توانسته است به یک برنامه پژوهشی توسعه‌گرا تبدیل شود. این برنامه، ضمن عبور از موانع سنتی و مدرن، الگویی نوین از تعامل دین و دولت را ارائه داده که منجر به ثبات و کارآمدی در بستر منطقه‌ای پرچالش شده است.

۳-۴-۵. کارکردهای نوست‌گرایی در ساختار دولت ملی

پس از تکوین زیرساخت‌های هسته‌ای و حمایتی، در این بخش به بررسی کارکرد‌های عملی «نوست‌گرایی» در امارات متحده عربی می‌پردازیم و مشخص می‌شود که چگونه این کارکرد‌ها در قالب یک برنامه پژوهشی، با تکیه بر فقه المقاصد و نصوص دینی، به مثابه «کمربند حمایتی»، سیاست‌های دولت مدرن و برنامه توسعه اقتصادی تحقق می‌یابند. نوست‌گرایی، به عنوان یک «کمربند حمایتی» عمل می‌کند تا هسته سخت حکمرانی اقتدارگرا را در برابر «تهدیدات مدرنیته» (چون دموکراسی) از سوی و تهدیدات اسلام سیاسی از سوی دیگر، حفظ نماید و در عین حال، سازگاری لازم را برای تعامل با جهان فراهم آورد:

۱. رد دموکراسی و ارائه بدیل شورا

نگاه عبدالله بن‌بیه و شیخ حمزه یوسف به دموکراسی به مثابه مبنای تحقق حاکمیت ملی و دولت، انتقادی است. از نظر آن‌ها، دموکراسی در جوامع فاقد اجماع، با قدرت‌بخشی به اکثریت، در اقلیت هراس ایجاد می‌کند. این هراس منجر به مقاومت و تضعیف دموکراسی و در نهایت، تلاش برای سرنگونی آن می‌شود. از این رو، دموکراسی علاوه بر «فاقد ارزش ذاتی» بودن، نظم مشورتی را نیز زایل می‌کند (Rafiee Ghosareh, 2023). بن‌بیه، نهاد دموکراسی را «اسب تروایی» می‌داند که میراث غنی فقهی و حقوقی اسلام را به مفاهیمی نامربوط چون حقوق بشر تقلیل می‌دهد (Bin Bayyah, 2022). بنابراین با این «ردیه بر دموکراسی» (به مثابه یک استراتژی در کمربند حمایتی)، «اصل قرآنی شورا» به عنوان بدیل دموکراسی برای تشکیل و استمرار حاکمیت و دولت ملی نوست‌گرا معرفی و در چارچوب نظام متجدد حکمرانی در امارات نهادینه می‌شود (Bin Bayyah, 2022) این رویکرد، هسته سخت نظام پادشاهی مشورتی را از تهدیدهای دموکراسی مصون می‌دارد.

۲. حفظ استقلال دولت

نوسنت‌گرایی به منزله کمر بند محافظتی دولت (هسته سخت) بر استقلال تصمیم‌گیری دولت در امورات خرد و کلان سیاسی تأکید دارد و نوسنت‌گرایی، این استقلال را با «ترک ملازمه دین و دولت» در مرحله سیاست‌گذاری محافظت می‌کند. بن‌بیه استدلال می‌کند که علما «مجاز به دخالت مستقیم در تصمیم‌سازی‌های حکومتی نیستند»، چرا که «فاقد دانش لازم برای شناخت واقعیت‌های موجود و نتایج نهایی تصمیمات» هستند (Rafiee Ghosareh, 2023). این «ترک ملازمه» و «عدم مداخله فقها»، به عنوان یک «کمر بند حمایتی» عمل می‌کند که از «هرج و مرج» ناشی از دخالت‌های غیرمتخصصین جلوگیری کرده تا انسجام و کارکردهای هسته سخت دولت دچار بی‌تدبیری نگردد. ریشه‌های این ترک ملازمه در قانون اساسی امارات نیز هویداست؛ جایی که «اسلام» مذهب رسمی و «شریعت» مبنای قانون‌گذاری است (اصل ۷)، اما فقه و امور فقهی تنها در قالب «کمیته‌های مذهبی مشورتی» گنجانده شده‌اند (تبصره ۷ اصل ۳۹ از فصل ۵). این امر، در کنار تأکید بر «برابری همه افراد بدون توجه به اعتقاد مذهبی» (اصل ۲۵، بخش ۳) و «استخدام مکرر مفاهیم عرفی» (قانون ۱۵۴ بار، سیاست‌گذاری بیش از ۷۰ بار، شهروند ۲۴ بار) در برابر «قلّت به‌کارگیری مفاهیم دینی» در قانون اساسی، سازوکار این «کمر بند حمایتی» را به وضوح نشان می‌دهد (Constitution of the UAE, 2009).

۳. تسهیل‌گری فقهی در مصالح عمومی

نوسنت‌گرایی، با تأکید بر فقه المقاصد و مفهوم «مصالح مرسله»، نقش تسهیل‌گری در از میان برداشتن موانع مذهبی توسعه اقتصادی ایفا کرده و «کمر بندی حفاظتی» را برای پیشرفت مادی جامعه ایجاد نموده است. این رویکرد بر اولویت «مصلحت عمومی» یا «منافع ملی» بر منافع شخصی یا ایدئولوژیکی تأکید دارد، که شرط اساسی برای «نظم و امنیت داخلی» و «فضای صلح‌آمیز» (دو شرط اساسی توسعه اقتصادی) است.

عبدالله بن‌بیه، با استناد به آرای شاطبی (قرن هشتم ه.، صاحب «الموافقات» و قائل به تأمین مصالح آنی و آتی بشر (Habibnejad, 202)، مفهوم «مصالح مرسله» را مطرح می‌کند. این مفهوم فقهی که «دلیل خاص شرعی در موردش نداریم، لیکن به طور عام در شمار نصوص عام شرعی قرار دارد» (Habibnejad, 202)، یک «کمر بند حمایتی» قدرتمند را فراهم می‌آورد که کمر بند حمایتی مورد نظر، قانون اساسی امارات را از جزئیات فقهی و سیره سلف به

طور کامل رهایی می‌بخشد که به تعبیر گیدنز، نوعی «ازجاکنندگی»^{۲۵} محسوب می‌شود که امکان «تجدید ساختار محیطی» و حرکت به سوی «پهنه‌های نامحدود زمانی-مکانی» را فراهم می‌کند (Giddens, 2015, 9 & 74). در اصل فقه المقاصد، زبان گشوده و بازی می‌باشد که به دولت ملی امکان انطباق با شرایط جدید جهانی، ارائه چشم اندازی مطلوب و آینده‌نگرایانه و نهایتاً امکان توسعه را خواهد داد.

۴. به رسمیت شناختن اقتدار مطلق حکمران

بن‌بیه و شیخ یوسف، «هرج و مرج» را یکی از بزرگترین موانع توسعه در جهان اسلام می‌دانند. برای جلوگیری از آن، «بنیادهای نظم در جامعه و حکومت» باید مستقر شود که «وجود پادشاه یا حکمران مستقر» می‌تواند این نظم را ایجاد کند. بن‌بیه با استفاده از همین اصل نظم، سلطنت را توجیه می‌کند و به استناد قرآن کریم (داستان درخواست بنی اسرائیل از پیامبرشان برای انتصاب پادشاه) می‌گوید که بدون اقتدار پادشاه، هرج و مرج ایجاد خواهد شد (Rafiee Ghosareh, 2023). این مبانی فقهی، یک «کمر بند حمایتی» مستحکم برای هسته سخت نظام حکمرانی (سلطنت) فراهم می‌آورد.

۵. تمهید صلح و امنیت

نوسنت‌گرایی برای تأکید بر صلح و گفتگو، به جای اتکا به نصوص جزئی و سطحی‌نگرانه، بر مقاصد کلی شریعت، اصول فقهی مانند مصالح مرسله، و روح کلی تسامح و اعتدال در اسلام تمرکز می‌کند. این رویکرد به آن‌ها اجازه می‌دهد تا تفسیری پویا و انطباق‌پذیر از دین ارائه دهند که نه تنها با جهان مدرن سازگار است، بلکه صلح و همکاری بین‌المللی را به عنوان یک ضرورت شرعی و عقلی توجیه می‌کند. بنابراین فقه نوسنت‌گرایی، تمهیدات قابل توجهی برای مفهوم «صلح» که نبض توسعه سیاست خارجی امارات و ارتقای ارتباطات جهانی است، ترتیب داده است. امارات از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی «استراتژی حفظ صلح و امنیت در سطح منطقه و جهان» را محور سیاست خارجی خود قرار داد (Davidson, 203:85; Al Sayegh, 202). (& Constitution of the UAE: article 4).

۲۵. مفهوم «ازجاکنندگی» (Disembedding) در نظریه آنتونی گیدنز به فرایندی اشاره دارد که روابط اجتماعی از زمینه‌های محلی و بومی خود «بیرون کشیده» شده و در گستره‌ای نامحدود از زمان و مکان بازتنظیم می‌شوند. این پدیده از ویژگی‌های اساسی مدرنیته است که طی آن، اعتماد از روابط چهره به چهره به «نظام‌های انتزاعی» نظیر پول و سیستم‌های تخصصی منتقل می‌گردد. این نظام‌ها امکان می‌دهند تا فعالیت‌ها بدون نیاز به حضور فیزیکی افراد در یک مکان خاص انجام شوند (Giddens, 2015: 75).

۶. مبارزه با رادیکالیسم از طریق نهادسازی منطقه ای

در تقابل با اسلام سیاسی و پس از حوادث بهار عربی (۲۰۱۱) که اسلام سیاسی را «مروج خشونت، آشوب و هرج و مرج» معرفی کرد، عبدالله بن بیه به تمرکز بر «صلح» پرداخت. وی تلاش می‌کند تا دولت امارات را به عنوان «مرکز رهبری صلح جهان اسلام» معرفی کند و نهادهای مربوط به صلح را تأسیس و راه‌اندازی نمود. «مجمع تقویت صلح در جوامع اسلامی»^{۲۶} (۲۰۱۴) که توسط بن بیه در ابوظبی تأسیس شد، با هدف «تلاش برای صلح، مقابله با رادیکالیسم اسلامی و گفتگوی صلح‌آمیز با سایر ادیان بشری» فعالیت می‌کند. نهادهای دیگری چون شورای بزرگان اسلام، پیمان اخوت اسلامی (مجمع صلح ابوظبی) و پیمان صلح حلف الفضول جدید (۲۰۱۹-۲۰۲۳) نیز در همین راستا، مدعی «مبارزه با خشونت و خونریزی و ایجاد صلح و آرامش» در برابر اسلام سیاسی هستند (Al Mostafa, 2023). این مجامع، به مثابه یک «کمر بند حمایتی» عمل می‌کنند که هم «صلح و گفتگو» را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ترویج می‌دهند و هم در سطح داخلی، به «تقویت نظم و همگرایی» میان ملیت‌ها و هویت‌های مختلف شاغل در امارات کمک می‌کنند (Al Mostafa, 2023).

۷. امکان گفتگو با جهان مدرن غیرمسلمان

نوسنت‌گرایی عربی، با اتکا به «مصالح مرسله»، زمینه فقهی گسترده‌ای را برای «گفتگو با اقلیت‌های غیرمسلمان» در درون جامعه و «گفتگو با غرب» در سطح جهانی ایجاد کرده است. عنوان «صناعة الفتوى وفقه الأقلیات» (Bathae, 202) به بررسی احکام اقلیت‌های مسلمان در سرزمین‌های غیر اسلامی می‌پردازد و نشان‌دهنده تولید و جوه «مسامحه بیشتری با غرب» در دستگاه فقهی نوسنت‌گرایی است. این رویکرد، سکولاریسم را «احترام به حقوق بشر و عدالت ادیان» دانسته و نموداری از همزیستی مسالمت‌آمیز ترسیم می‌کند. جمله قابل تأمل بن بیه که «ما اگر با غرب شرعاً متفق نیستیم؛ چرا عقلاً متفق نباشیم؟» (Bathae, 202)، یک استراتژی «حفاظتی» در کمر بند است که به هسته سخت برنامه (حفظ دولت ملی و توسعه) امکان تعامل و سازگاری با محیط جهانی را می‌دهد.

به طور کلی این بخش، کارکرد های «نوسنت‌گرایی» را به مثابه کمر بندی حفاظتی برای

26. Forum for Promoting Peace in Muslim Societies

«هسته سخت» دولت ملی امارات به وضوح نشان می‌دهد. این کمر بند حمایتی، با بازتفسیر و تعدیل مفاهیم دینی (مانند فقه المقاصد و مصالح مرسله)، و با ایجاد نهادهای کارآمد و ترویج مفاهیمی چون «نظم»، «صلح» و «گفتگو»، توانسته است همزمان از هسته سخت اقتدارگرایی محافظت کرده و مسیر را برای توسعه اقتصادی و تعامل سازنده با جهان مدرن هموار سازد. این توانایی در پاسخگویی به چالش‌ها و ایجاد راهکارهای نوین، مؤید «توسعه‌گرایی» دولت ملی نوسنت‌گرا در چارچوب یک برنامه زیرساختی می‌باشد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف تبیین چرایی موفقیت الگوی «دولت ملی نوسنت‌گرا» در امارات متحده عربی در مواجهه با چالش‌های اسلام سیاسی-سلفی، و با تمرکز بر نقش و جایگاه فقه المقاصد در تعامل دین و دولت، از چارچوب نظری برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش بهره گرفت. پرسش اصلی تحقیق بر آن بود که چگونه امارات، با اتخاذ الگوی شورایی شبه‌دموکراتیک و بدون پذیرش خط‌مشی اسلام سیاسی-سلفی، توانسته به سطح قابل قبولی از توسعه و مشروعیت کارآمد دست یابد. فرضیه پژوهش نیز بر این مبنا استوار بود که استخدام قرائت خاصی از فقه اسلامی (فقه المقاصد) در چارچوب نوسنت‌گرایی، به دولت امارات امکان داده است تا ضمن حفظ فاصله خود با سلفی‌گرایی، با ورود به مناسبات جهانی، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و تجاری در راستای مصالح عمومی گردد. یافته‌های پژوهش نشان داد که دولت ملی نوسنت‌گرای امارات، به پشتوانه فقه المقاصد و تکیه بر اصل «شورا» با مشاورت شیخ عبدالله بن‌بیه، توانسته است دین را در تعامل سازنده با دولت قرار داده و به توسعه اقتصادی، رفاه و مشروعیت کارآمد بالا در سطح ملی و بین‌المللی دست یابد.

از آنجا که بین موضوع پژوهش و ادبیات موجود، خلاء پژوهشی چشمگیری وجود دارد، لذا پژوهش حاضر، علیرغم کم و کاستی‌های موجود، یک نقطه آغازینی خواهد بود برای طرح مباحث جدید برآمده از این سنخ. حال اگر با نگاهی انتقادی بخواهیم به جمع بندی کلی برسیم، بدون شک از زاویه دید نگارنده، الگوی دولت ملی نوسنت‌گرا هم مزایا و هم معایب و خطرات بالقوه‌ای در پی خواهد داشت که در زیر، به هر دو جنبه نگاهی اجمالی خواهیم داشت که شاید مدخلی باشد برای پژوهش‌های بعدی.

۶-۱. مزایای الگوی دولت ملی نو سنت گرا (مورد امارات متحده عربی)

الگوی دولت ملی نو سنت گرا با بهره‌گیری و مشروعیت بخشی دینی به مثابه کمر بند حفاظتی انعطاف پذیر (متشکل از نهادهای دینی مشورتی و مرز بندی با اسلام سیاسی)، مزایای متعددی را به ارمغان آورده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. کسب مشروعیت کارآمد و ثبات سیاسی پایدار: این الگو توانسته است با تلفیق سنت‌های بومی و مذهبی با ساختارهای نوین حکمرانی، بدون پذیرش کامل دموکراسی غربی، به ثبات سیاسی و مشروعیت کارآمد دست یابد. فقه المقاصد به عنوان یک ابزار مشروعیت بخش، امکان توجیه دینی سیاست‌های توسعه‌گرا را فراهم آورده است.

۲. دستیابی به توسعه اقتصادی و رفاه ملی چشمگیر: با تعدیل موانع فقهی سنتی در مسیر تعامل با جهان مدرن و گشودن درهای اقتصاد به سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بین‌المللی، امارات به سطوح بالایی از رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی دست یافته است. این رویکرد عمل‌گرایانه، توسعه را در اولویت قرار داده است.

۳. مواجهه موفق با بنیادگرایی و اسلام سیاسی: با مرز بندی آشکار با جریان‌های اسلام سیاسی-سلفی و تضعیف نفوذ آن‌ها، دولت امارات توانسته است از بی‌ثباتی‌ها و خشونت‌های مرتبط با این الگوها در منطقه مصون بماند. راهبرد «برائت از سیاست» توسط نخبگان دینی (نظیر بن‌بیه)، به عنوان بخشی از کمر بند حفاظتی، نقش مهمی در این موفقیت ایفا کرده است.

۴. انعطاف‌پذیری فقهی و توانایی تطبیق با مدرنیته: فقه المقاصد به دولت ملی نو سنت‌گرا امکان می‌دهد تا با حفظ اصول بنیادین دین، احکام را با نیازهای متغیر جامعه و مقتضیات جهان مدرن انطباق دهد. این رویکرد، یک مدل پایدار برای تعامل سازنده دین و دولت در یک بستر توسعه‌محور ارائه می‌دهد.

۶-۲. آسیب‌ها، خطرات و پیامدهای بالقوه

با وجود مزایای برجسته، الگوی دولت ملی نو سنت‌گرا در امارات، این دولت با آسیب‌ها و خطرات بالقوه‌ای روبرو است که در بلندمدت می‌تواند چالش برانگیز باشند:

۱. خطر بالقوه نو بنیادگرایی اسلامی و واکنش‌های دینی: یکی از جدی‌ترین چالش‌ها،

نادیده گرفتن برخی «خطوط قرمز» دینی مسلمانان است که می‌تواند به شکل‌گیری نوبنیادگرایی اسلامی در آینده منجر شود. تمایل به عادی‌سازی روابط با اسرائیل و انعقاد پیمان صلح ابراهیم، گرچه به نفع منافع ملی و امنیت منطقه‌ای امارات تلقی می‌شود و با رویکرد صلح‌سازی و گفتگوی نوسنت‌گرایی همخوانی دارد، اما می‌تواند در میان بخش‌هایی از جامعه مذهبی، به عنوان تضعیف آرمان‌های اسلامی و عبور از خطوط قرمز دینی تلقی شود. این امر می‌تواند منجر به واکنش‌های هویتی و دینی شود که در قالب گروه‌های نوبنیادگرا، به دنبال بازگشت به اصول رادیکال‌تر و انتقاد از سیاست‌های دولت باشند. این گروه‌ها ممکن است مشروعیت دینی دولت را به چالش بکشند.

استبداد سیاسی و فقدان مشارکت دموکراتیک: اتکای این الگو به ساختار حکمرانی پدرسالاری و الگوی اقتدارگرایی شورایی، با وجود ایجاد ثبات، خطر تعمیق استبداد سیاسی را در پی دارد. عدم وجود نهادهای مدنی فعال و محدودیت مشارکت سیاسی، در بلندمدت می‌تواند به مطالبات مدنی فزاینده و نارضایتی‌های پنهان منجر شود که امنیت داخلی را به چالش بکشد. این نوع حکمرانی، فاقد مکانیزم‌های نهادینه شده برای جذب و دفع نارضایتی‌های مردمی است.

امنیت و تأثیر پیمان صلح ابراهیم: گرچه پیمان صلح ابراهیم به دنبال افزایش ثبات منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات مشترک است، اما در متن چالش‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه و پیچیدگی‌های مسئله فلسطین، این پیمان می‌تواند به عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده در افکار عمومی منطقه عمل کند و به افزایش تنش‌های نامتقارن یا حمایت از گروه‌های مخالف منجر شود. امنیت در بلندمدت به عوامل متعددی وابسته است که تنها بخشی از آن با این پیمان قابل تضمین است.

پیامدهای ترکیب جمعیتی با درصد بالای جمعیت غیربومی: درصد بالای جمعیت غیربومی (شامل هندی‌ها، پاکستانی‌ها، افغانستانی‌ها، ایرانی‌ها و...) در امارات، گرچه نیروی کار لازم برای توسعه اقتصادی را فراهم آورده، اما خطرات و پیامدهای بالقوه‌ای را نیز به همراه دارد:

کاهش انسجام اجتماعی و هویت ملی: تنوع فرهنگی و زبانی گسترده، در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند به کاهش انسجام اجتماعی و چالش در شکل‌گیری یک هویت ملی یکپارچه و پایدار منجر شود.

آسیب‌پذیری‌های امنیتی: حضور جمعیت زیاد غیربومی، به ویژه با اختلاف طبقاتی و

عدم مشارکت سیاسی، می‌تواند در شرایط بحرانی، به آسیب‌پذیری‌های امنیتی، ناآرامی‌های اجتماعی و حتی نفوذ عوامل خارجی دامن بزند.

چالش در حفظ بافت فرهنگی و جمعیتی بومی: نرخ زاد و ولد پایین در میان بومیان در کنار مهاجرت گسترده، می‌تواند به کاهش نسبت جمعیت بومی و نگرانی‌هایی در مورد حفظ بافت فرهنگی و اجتماعی اصیل منجر شود.

۳-۶. نتیجه‌گیری نهایی و چشم‌انداز آینده

پژوهش حاضر نشان داد که الگوی «دولت ملی نوستت‌گرا» در امارات متحده عربی، به مثابه یک برنامه پژوهشی پیشرونده در چارچوب لاکاتوش، توانسته است با تعامل هوشمندانه بین دین و دولت (از طریق فقه المقاصد) و اتخاذ یک کمربند حفاظتی منعطف، بر چالش‌های بنیادگرایی و الزامات مدرنیته فائق آید و به دستاوردهای چشمگیری در زمینه توسعه و ثبات دست یابد. این الگو، در مقایسه با الگوی «احیای خلافت اسلامی» که هسته سخت نص‌محور و کمربند حفاظتی رادیکالی دارد، از پویایی و انطباق‌پذیری بیشتری برخوردار بوده است.

با این حال، پایداری بلندمدت این الگو در آینده، به توانایی آن در مدیریت چالش‌های فزاینده‌ای نظیر خطر نوبنیادگرایی، مطالبات بالقوه برای مشارکت مدنی، مسائل امنیتی مرتبط با تغییرات ژئوپلیتیکی و پیامدهای ترکیب جمعیتی چندفرهنگی، وابسته خواهد بود. دولت امارات برای تضمین تداوم موفقیت خود، باید به این نقاط آسیب‌پذیر توجه ویژه‌ای داشته باشد و راهبردهای خود را به گونه‌ای توسعه دهد که ضمن حفظ مبانی هسته سخت و مزایای فعلی، بتواند به نگرانی‌های جامعه و خطرات آتی پاسخ دهد. این الگو می‌تواند برای سایر کشورهای منطقه که در پی یافتن تعادلی میان سنت، مدرنیته و توسعه هستند، الهام‌بخش باشد، مشروط بر آنکه درسی از نقاط قوت و ضعف آن بیاموزند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Abdolmalek, Anvar (2009). Contemporary Arab Political Thought, translated by Movasaghi, Ahmad, Qom: Mofid University Publication. [in Persian]
- Al Maktoum, Mohammed bin Rashid (2009). My Story, Dubai: Explorer Publishing & Distribution.
- Al Mostafa, Hassan (2023). The New Hef-al-Fozul Pact and its Role in Establishing Peace and Reconciliation. <https://www.independentpersian.com/node/35476>. (accessed on 7 Feb, 2025)
- Al Sayegh, Ahmed Ali (202). UAE affirms to supporting peacemaking operations. <https://www.mofa.gov.ae/MediaHub/News/202/2/8/08-2-202-UAE-Peace>. (accessed on 7 Feb, 2025)
- Al-Azami, Usaama (2009). Abdullāh bin Bayyah and the Arab Revolutions. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/0./muwo.2297>. (accessed on Feb 6, 2025)
- Alem, Abdolrahman (1999). Foundations of Political Science. Tehran: Nay Publication. [in Persian]
- Ali, Shykh Abdullah (no date).” Neo-Traditionalism vs Traditionalism”, <https://lamppostedu.org/neo-traditionalism-vs-traditionalism-shaykh-abdullah-bin-hamid-ali/>. (accessed on Feb 6, 2025).
- Bashiriyeh, Hossein (2004). Political science education. Tehran: Negahemoaser Publication. [in Persian]
- Bathae, Sayyed Ali (202). Get to know Abdullah bin Bayyah. <http://ijtihadnet.ir/>. (accessed on 7, 2025)
- Bin Bayyah, Abdallah (202): <https://binbayyah.net/english/shura-consultation-and-democracy/>. (accessed on 6 Feb, 2025)
- Bin Bayyah, Sheikh Abdallah (nd). <https://binbayyah.net/english/bio> (accessed on Feb 6, 2025).

- Bin Rashid Al Maktum, Mohammad (2022). *My Attitude and the Challenges of Excellence*, translated by Moslem Zamani. Tehran: Ghalamkade Publication. [in Persian]
- Chalmers, Alan Frangle(2005). *What is This Thing Science?*, translated by Ziba Klam, Saeed. Tehran: SAMT Publicatins.
- CIA World Fact Book: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/united-arab-emirates/#people-and-society>. (accessed on 6 Feb,2025)
- Constitution of the UAE (2009). <https://wipolexres.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/ae/ae05en.pdf>.
- Dahir,Adel & Barakat, Halim (20). *Islam and Politics*, translated by Gholamreza Kashi. Tehran: Rokhdad Nou. [in Persian]
- Davidson, C. M. (2005). *The UAE: A Study in Survival*. London: Lynne Rienner Publishers Inc.
- Davidson, Christopher M.(203). *After the Sheikhs: The coming collapse of the Gulf Monarchies*. London :Oxford University.
- Enayat,Hamid (200). *Modern Islamic Political Thought*, translated by Baha'odin Khoramshahi, Tehran: Kharazmi Publication. [in Persian]
- Enayat,Hamid(399). *A Journey Through Arab Political Thought*, Tehran: Amirk-abir Publication. [in Persian]
- Fairahi, Davood (204). *Figh and Politics in Contemporary Iran*, Tehran: Nay Publication. [in Persian]
- Feghe Moaser Encyclopedia, last edited: 2025//7. <https://ency.feqhemoaser.com/fa/view> . (accessed on 9 May,2025)[in Persian]
- Feirahi, Davoud (203). *History of State Evolution in Islam*. Qom: Mfid University Publications. [in Persian]
- Gelvin, J. L. (20). *The modern Middle East: A history* (3th ed.). Oxford University

Press.

Giddens, Anthony (205). *The Consequences of Modernity*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Markaz Publishing House.

GMI - Global Media Insight: https://www.globalmediainsight.com/blog/uae-population-statistics/#UAE_Population_2025_Key_Statistics. (accessed on 6 Feb, 2025)

Habibnejad, Seyed Ahmad (202). Masaleh al Morsaleh in the mirror of approximation, *Quarterly journal of Forough Vahdat*, Summer, 7(28), 45-53. [in Persian]

Haghighat, Seyed Sadegh (204). *Foundations of Political in Islam*. Qom: Mofid University Publications. [in Persian]

Hamid, S. (207). *Islamic Exceptionalism: How the Struggle Over Islam Is Reshaping the World*. New York, NY: St. Martin's Press. [in English]

Hashim, Ahmed. S. (208). *The Caliphate at War: The Ideological, Organisational and Military Innovations of Islamic State*. London: Oxford University Press.

Hayat, Bais (2024). [https://amu.tv/fa/82842,\(2025/02/2\)](https://amu.tv/fa/82842,(2025/02/2)). (accessed on Feb 7, 2025)

Hossien, Abdolhakim (2024). Sheikh Abdullah bin Bayyah: Prominent Islamic Scholar and Chairman of the Emirates Fatwa Council. <https://www.akhbaralaan.net/news/gulf-news/2024/06/20/>. [in Arabic]

Jarar, Yaser (2022). *Management and leadership in the style of Sheikh Mohamed*, translated by Ali Alipanahi. Tehran: Bahar Publication. [in Persian]

Kazemi, Hojat & Mahbubi, Mohammad (2022). The development and evolution of state nation-building in the United Arab Emirates. *Quarterly Journal of Political and International Approaches*. 4(1), 49-76. <http://Doi:0.29252/piaj.2022.225224.79>. [in Persian]

Khalidi, Rashid (200). *Palestinian identity: The construction of modern national consciousness* (2nd ed.). Columbia University Press.

- Kohn, Hans(2025). "Nationalism" in Britannica. last updated: Apr 25.
- Mandaville, P. (2020). *Islam and politics* (3rd ed.). London, UK: Routledge.
- Mathiesen,Kasper (203). Anglo-American 'Traditional Islam' and Its Discourse of Orthodoxy, *Journal of Arabic and Islamic Studies*, 3 (203): 9-29.
- Miusa-al Hosseini, Eshagh(2009). *Muslim Brotherhood*, translated by Seyed Hadi Khosroshahi. Etela'at Publications. [in Persian]
- Mohammadpour, Ahmed (20). *Counter Method*. Tehran: Jamea Shenasan Publications.[in Persian]
- Mousa Al-Hosseini, Es'hagh.(387). *The Muslim Brotherhood: The Greatest Contemporary Islamic Movement*, translated by Sayyed Hadi Khosrowshahi, Tehran: Etela'at Publication. [in Persian]
- Movahed, Mehran (208). "Is the return of the 'Islamic Caliphate' possible?", <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-45698658>. (accessed on 3 Feb,2025).[in Persian]
- Mutaz, Al-Khatib (202). *Abdullah bin Bayyah between normalization and Israeli crimes*. <https://www.aljazeera.net>. (accessed on Sep 5, 2024)
- Qaderi,Hatam (387). *Praxis Political Thought & Political Practice in the Middle East*, Tehran: Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East. [in Persian]
- Quisay, Walaa (2023). *Neo-Traditionalism in Islam in the West*, Edinburgh: Edinburg University Press.
- Rafiee Ghosreh, Abozar (2023). *Aligning Religion with Foreign Policy: The Case of the UAE. Quarterly of Political Strategic Studies*, Summer, 45(2), 209- 240. DOI: 0.22054/QPSS.2023.642.294.
- Raissouni, Ahmed (998). *The Intentions of Religion from the Point of Shatebi*. Qom: Islamic Propagation of the Islamic Seminary of Qom. (accessed on Feb 6, 2025). [in Persian]

- Rajaei, Farhang (202). Political Thought in the Arab World: From Fall of the Caliphate to the Arab Spring, Tehran: Foreign Affairs Ministry Publication. [in Persian]
- Ramadan, Ahmed (208/06/7). From the ISIS model to the European Union model, <https://www.aljazeera.net/midan/intellect/groups/>. (accessed on Feb 7, 2025)
- Ramadan, T. (202). The Arab awakening: Islam and the new Middle East. London, UK: Allen Lane.
- Safavi, Sayed Hamzeh (206). United Arab Emirates. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications. [in Persian]
- Sardarniya, Khalilolah & Azizi, Zara (205). Transformations in the Arab world and political stability in the United Arab Emirates. Quarterly Journal of Foreign Relations, Winter 7(4), 89-26. [in Persian]
- Sharabi, Hisham (2002). Neopatriarchy: a theory distorted change in Arab Society. Tehran: Kavir Publication. [in Persian]
- The UAE Foreign Affairs Site: <https://www.mofa.gov.ae/en/the-uae/facts-and-figures>. (accessed on 6 Feb, 2025)
- Zee, M. Van der (2023). Between Traditionalism & Neo-Traditionalism: Two Schools of Western Islam and their Critique of Modernity, Netherland: Lyden University.